

پیشگفتار

پیشروی جنگجویان و مجاهدان مسلمان به سوی شمال جزیره‌العرب که از سالهای دوازدهم و سیزدهم قمری آغاز شد و بخشهای وسیعی از عراق و سرزمینهای شام و فارس را در بر گرفت، علاوه بر تأثیرهای سیاسی و دینی، مانند فروپاشی نظامهای حکومتی پیشین و گسترش شریعت اسلام به بیرون از جزیره‌العرب، از زوایای مهم دیگری نیز قابل توجه و بررسی است. یکی از آن زوایا، هجرت گروه بزرگی از تیره‌ها، عشایر و قبایل گوناگون عرب، از جزیره‌العرب به سوی سرزمینهای فتح شده است. این هجرت و سکونت در آن سرزمینها که تا چند قرن بعد ادامه یافت، آنچنان فراگیر و گسترده بود که به سختی می‌توان منطقه‌ای را در دامنه‌ی میان دریای مدیترانه در مغرب سرزمین شام، تا منتهی‌الیه خراسان کهن در غرب افغانستان کنونی یافت که افرادی از قبیله‌های عرب به آنجا راه نیافته، در آنجا ساکن نشده باشند. حقیقت این است که مجاهدان و مرزبانان مسلمان، برخلاف دیگر جنگجویان - که تنها به هدف شکست دشمن و به چنگ آوردن غنائم یه میدان می‌روند - خود را حامل رسالت و پیام الهی می‌دانستند که باید آن را به ساکنان سراسر گیتی ابلاغ نمایند و ساکنان سرزمینهای پیرامون جزیره‌العرب و دورتر را از لوٹ شرک، بت‌پرستی، کفر و فساد پاک سازند. از این رو، نابودی جبهه کفر و تسلط بر سرزمین آنان و سکونت در آن را یکی از راههای رسیدن به هدف خود - نشر شریعت اسلام - می‌دانستند. گرچه این خواسته دینی، گاهی تحت‌الشعاع اهداف دراز مدت نظامی و حکومتی حاکمان - تحکیم بخشیدن به قدرت خلافت عربی و جلوگیری از شورش ساکنان بومی سرزمینها در برابر تجاوزها و زورگویی‌های حاکمان محلی - قرار می‌گرفت، ولی هدف اصلی مهاجران در چند دهه‌ی نخست - نشر شریعت اسلام در میان مردم بومی و اصیل سرزمینهای فتح شده بود. برای رسیدن به این هدف راهی جز سکونت در سرزمینهای فتح شده و آمیزش اجتماعی با آنان از راه ازدواج، تجارت، و ... وجود نداشت. از سوی دیگر، گروه‌های زیادی از تیره‌های عرب به دلیل فرار از ظلم و ستم خلفا و حاکمان محلی به سرزمینهای اطراف جزیره‌العرب مهاجرت کرده، در آن مناطق ساکن شده‌اند. در منابع تاریخی به مهاجرت گروه‌های بزرگی اشاره شده است که با استفاده از موقعیتهای خاص، شبانه سکونتگاه‌های خود را در بصره، کوفه، جزیره، سرزمین شام یا ... رها کرده، با زن، فرزند، اموال و حَشَم خود راهی دیاری دوردست در خراسان، ری، سجستان و یا جَبَل شده‌اند، و خلیفه یا حاکم و امیر محلی هنگامی از هجرت آنان آگاه می‌شد که فرسنگها از حوزه حکومت او دور شده بودند و امکان دسترسی به آنان غیر ممکن بود. نمونه‌های آن، مهاجرت سادات علوی از عراق و جزیره‌العرب به سمت مشرق، تا منتهی‌الیه ماوراءالنهر و سِند و هجرت گروه بزرگی از قبیله اشعری به شهر قم بود که در اواخر قرن اول قمری صورت گرفت.

تحقیق درباره‌ی عوامل و انگیزه‌های هجرت در چند سده‌ی نخست هجری و تعداد مهاجران و تیره‌های آنان، نیازمند بررسی‌های دقیق و طولانی و بازخوانی منابع کهن است. کتاب و بازگردان حاضر یکی از پژوهشهایی است که می‌تواند اطلاعات دقیق، تحلیلی و گسترده‌ای از حرکت شتابنده مهاجرت که در چند سده‌ی نخست هجری در منطقه گسترده‌ای از سواحل اقیانوس اطلس و صحرای بزرگ در غرب آفریقا، تا دامنه کوه‌های هندوکش در شرق را دربرگرفت، در اختیار ما قرار دهد.

اطلاعات این کتاب آشکارا نشان از عمق و گستردگی هجرت هزاران نفر از عربهای جزیره‌العرب ساکن عراق - سرزمین واسطه برای هجرات - به سمت شرق - سرزمین ایران - و غرب - سرزمین شام - و شمال آفریقا است. این هجرتها که به انگیزه سکونت موقت صورت می‌گرفت به طور معمول به سکونت دائم می‌انجامید. به طور مثال، مهاجران به ایران پس از یکسال یا چند نسل با چهره‌ای ایرانی و زبانی فارسی در میان دیگر ایرانیان اصیل به زندگی پرداخته، حتی شاید جشنهای نوروز و مهرگان را با شور و حرارتی بیش از ایرانیان اصیل برگزار می‌کرده‌اند؛ اندکی بعد، حقیقت عرب بودن آنان جز برای تبار شناسان ناشناخته مانده، تنها نام و لقب و پسوندهای عربی آنان، گاه نشانی از عرب بودن آنان هر چند تعداد مهاجران در مقایسه با ساکنان اتلی چندان نبود، اما به دلیل اینکه قوم عرب تا مدت‌ها در جهان اسلام سروری داشت، تأثیرهای خاص اجتماعی دینی خود را بر ساکنان اصیل آن سرزمینها برجای می‌گذاشتند.

سرزمینهای فتح شده - با توجه به موضوع مهاجرت - به دو بخش تقسیم می‌شد:

1. سرزمینهایی که در پی مهاجرت تغییر هویت داده، به سرزمینهای عربی تبدیل شده‌اند.
2. سرزمینهایی که با وجود پذیرفتن اعراب، برخی ابعاد هویتی خویش، مانند زبان و ویژگی‌های بومی را تا حدی حفظ کرده‌اند. در این تقسیم‌بندی ایران در بخش دوم و مصر و کشورهای دیگر در شمال آفریقا در بخش اول جای می‌گیرند.

هادی انصاری

پاییز 1384